فهرست كتاب احكام سلطاني

3 ارديبهشت 1396

باب اول: في عقد الامامه

(پيمان امامت)

امامت براي جانشيني پيامبر در پاسداري از دين و سياست ورزي دنيايي وضع شده است.

وجوب آن شرعي است. انتخاب خليفه به دو صورت است: 1. توسط اهل اختيار (خبرگان انتخاب كنندهء خليفه) 2. ولايتعهدي. اختياركنندگان و هم اختيارشونده بايد داراي شرايط خاصي باشند. دو شرط برجسته از شرايط خليفه عدالت و نسب قريشي داشتن است.

اگر دونفر با شرايط يكسان براي خلافت مناسب باشند, بايد با توجه به اوضاع زمانه يكي از آن ها را اختيارنمود. چنان چه دو نفر براي خلافت در يك زمان و دو مكان انتخاب شوند امامت هردوي آن ها باطل است. امام حاضر مي تواند دو يا سه نفر را به ترتيب, يكي بعد از ديگري, براي خلافت بعد از خود تعيين كند. با انتخاب خليفه بيعت با او بر همگان واجب است و لزومي ندارد كه بيعت كنندگان او را به اسم و رسم بشناسند. خليفه در حق مردم وظايفي دارد و مردم نيز در حق او وظايفي: يكي اطاعت و ديگري ياري رساندن. اطاعت و نصرت خليفه تا زماني است كه از عدالت خارج و يا دچار نقص بدني نشود (ص17). كوتاه شدن دست امام از تصرف در امور, به عللي چون اسارت در دست دشمن, موجب بطلان امامت او خواهد شد...

باب دوم: في تقليد الوزاره

(اعطاي مقام وزارت)

دو نوع وزير وجود دارد: وزير تفويض و وزير تنفيذ. وزير تفويض اختياردار تمامي اموري است كه خليفه عهده دار آن هاست جز سه مورد كه يكي از آن ها انتخاب وليعهد است. وزير تنفيذ فقط به عنوان مشاور خليفه آن چه را بر عهده اش گذارند, عمل مي نمايد و هيچ نوع اختياري از خود ندارد. وزير تفويض تمامي شرايطي را كه براي خليفه لازم است, به جز شرط نسب, بايد دارا باشد. زن نمي تواند وزير شود. از اهل ذمه بودن وزير تنفيذ ممكن است. خليفه مي تواند يك يا چند وزير تنفيذ داشته باشد اما وزير تفويض فقط يكي... .

باب سوم: في تقليد الاماره علي البلاد

(منصوب نمودن فرمانروايان بر شهرها)

فرمانروايان يا بايد تصرف در كليه امور را داشته باشند (ولايت عامه) و يا فقط در بعضي از امور (ولايت خاصه). فرمانرواي عام را كه خليفه تعيين نموده وزير تفويض نمي تواند عزل و يا جابه جا كند. شرايط چنين فرمانروايي همان شرايط وزير تفويض است....

باب چهارم: في تقليد الاماره علي الجهاد (نصب فرمانده بر امر جهاد)

جهاد اختصاص به جنگ با مشركين دارد و ولايت بر آن دو قسم است: يكي سياست گذاري در امور لشگريان و تدبير مسائل جنگ و ديگر اين كه تمامي مسائل مربوط به جهاد اعم از غنائم, عقد صلح و... بر عهدهء ولي آن باشد.

سپس وظايف فرمانده را در ارتباط با لشگريان, اختلاف ميان آن ها, جاسوسان, پيران و زنان و كودكان و آن چه را كه بايد لشگريان بدانند, حقوقي كه خداوند و امير بر آن ها دارند... گوشزد مي كند.

باب پنجم: في الولايه علي حروب المصالح (ولايت بر جنگ هاي مصلحت آميز)

در اين باب به بحث دربارهء جنگ هايي كه سود و آسايش امت اسلامي در آن است مي پردازد. و طي سه فصل دربارهء كساني كه بايد با آن ها جنگيد, سخن مي گويد: فصل اول دربارهء مرتدان, فصل دوم باغيان و فصل سوم محاربان و راهزنان.

باب ششم: في ولايه القضاء (قضاوت)

كسي مي تواند به قضاوت گمارده شود كه داراي هفت شرط باشد: مرد بالغ, عاقل, آزاد, اسلام, عدالت, سلامت گوش و چشم و عالم بودن.

بايد ميزان ولايت, محل قضاوت, نوع قضاوت, اوقات قضاوت را براي قاضي مشخص كرد. جواز قضاوت براي معتقد به مذهب شافعي, چگونگي انعقاد ولايت قضا, خصوصيات قاضي مطلق التصرف و ميزان تصرفات او در امور, قاضي خاص العمل و محدودهء تصرفات او.

باب هفتم: في ولايه المظالم (دادرسي)

ولايت مظالم آن است كه فردي مقتدر كه داراي نفوذ كلام و با شخصيت و عفيف است, اشخاصي را كه نسبت به حقوق ديگران ظلم و تجاوزي كرده اند و يا مي كنند به طرف انصاف سوق دهد و نزاع كنندگان را از نزاع كردن بازدارد.

مولف براي اين كه بيان كند ولايت بر مظالم از مسائل مهم در ادارهء كشور است حكايت هايي چند از رسيدگي به مظالم در عهد نبي اكرم - ص - و عمربن عبدالعزيز را ذكركرده, اضافه مي نمايد: پادشاهان ايراني رسيدگي به مظالم را از اصول حكومت و عدالت مي دانستند به طوري كه جريان انصاف و عدالت را بدون آن ناممكن مي شمردند قريش نيز در عصر جاهليت براي رسيدگي به مظالم و انصاف دادن به مظلوم در مقابل ظالم پيمان بسته بودند (ص78) سپس تفاوت قاضي و دادرس, و احكام مربوط به رسيدگي به مظالم, را ذكر مي كند.

باب هشتم: في ولايه النقابه

علي ذوي الانساب

ماوردي در اين مبحث از رياست و رسيدگي به امور صاحب نسبان و اين كه چه كساني بايد اين نقابت را بر عهده بگيرند و ويژگي هاي آنان سخن مي گويد و با گفتاري دربارهء نقابت عامه و خاصه مطلب را به پايان مي برد.

باب نهم: في الولايات علي امامه الصلوات

امامت براي نماز سه قسم است: يا براي نمازهاي پنج گانه, يا نمازجمعه و يا نمازهاي مستحبي. انتخاب امام براي مسجد شاه و ديگر مساجد. حق اعتراض نداشتن خليفه به امام جماعت, به خاطر مذهب وي. صفاتي كه امام جماعت بايد داشته باشد. محل ارتزاق امام جماعت و موذن. امام جمعه و شرايط برگزاري نمازجمعه, امامت براي نمازهاي فطر, قربان, خسوف, كسوف, استسقا و اوقات آن ها.

باب دهم: في الولايه علي الحج

سرپرستي حج دو نوع است: راه اندازي حاجيان و اقامهء حج. راه اندازي, سياست گذاري بر امور حاجيان و مسائل مربوط به حج است. و اقامهء آن مانند اقامهء نماز است. مولف شرايط هردو نوع از سرپرستي به تفصيل بيان كرده و وظايف آنان را, يك به يك با توضيحات وافي آورده است.

باب يازدهم: في ولايه الصدقات

تعريف صدقه و زكات, اموالي كه زكات بر آن ها واجب است, اقسام زكات, مال ظاهر و مال باطن, چگونه بايد صدقات را گرفت, مسئول صدقات اگر از اعمال تفويض يا تنفيذ باشد, چگونه بايد عمل نمايد.

باب دوازدهم: في قسم الفييء والغنيمه

فيء و غنيمت از مشركان به دست ميآيد, بررسي تفاوت هاي اين دو با صدقات, چگونگي دخل و تصرف خليفه در فييء, تفاوت عامل فييء با عامل صدقات, غنيمت, وضعيت كفار پس از اسارت, تكليف زنان و كودكان و احكام سرزمين ها و اموالي كه از كفار به دست ميآيد.

باب سيزدهم: في وضع الجزيه والخراج

وجوه اتفاق و اختلاف جزيه و خراج, تعريف جزيه و خراج, شروطي كه حتما بايد به هنگام عقد جزيه با مشركان قيدشود, شرايطي كه مستحب است در قرارداد جزيه ذكرشود.

باب چهاردهم: فيما تختلف

احكامه من البلاد

سرزمين هاي اسلامي بر سه قسم است: حرم, حجاز و غير اين دو. مقصود از حرم, گفتاري دربارهء مكه و مسجدالحرام و كعبه, احكام اختصاصي حرم و تفاوت آن با ساير بلاد, حجاز و وجه تسميهء آن, حكم حضور زنده و مردهء ذمي و معاهد در آن, بحثي دربارهء صدقات رسول خدا(ص), ديگر سرزمين ها و اقسام آن, ميزان در محاسبهء خراج براي زمين هاي خراجيه.

باب پانزدهم: في احياء الموات

و استخراج المياه

حكم احياي موات, موات از ديدگاه فقيهان, شرايط احياي موات براي زراعت يا درخت كاري, شرط خراج بستن بر موات احياشده. اقسام و احكام آب هايي كه از زمين استخراج مي شوند.

باب شانزدهم: في الحمي والارفاق

حمي زمين هايي است كه احيا سبب مالكيت بر آن نمي شود, علت مالك نشدن, اقوال فقها در اين باره, ارفاق و احكام و اقسام سه گانهء آن.

باب هفدهم: في احكام الاقطاع

اقطاع سلطان و اقسام آن اقطاع تمليك و استغلال, اقسام اقطاع تمليك موات و عامر و معادن, اقسام اقطاع استغلال: عشر و خراج.

باب هجدهم: في وضع الديوان

وذكر احكامه

تعريف ديوان و وجه تسميهء آن, اول كسي كه در اسلام ديوان را وضع كرد, اقسام ديوان سلطنت: 1.1امور ارتش 2.1 رسوم و حقوق 3.1عزل و نصب عمال حكومتي 4. 1بيت المال و در پايان شرايط كاتب ديوان كه عدالت و كفايت است ذكر شده است.

باب نوزدهم: في احكام الجرائم

حد زنا, حد خمر, حد سرقت, حد محاربه, حد قذف و لعان به زنا, حد قذف در جنايت ها, و بحث دربارهء تعزيرات و احكام آن.

باب بيستم: في احكام الحسبه

امربه معروف و نهي ازمنكر را حسبه گويند. تفاوت محتسب با ديگر شهروندان در امور مربوط به حسبه, ارتباط احكام حسبه با احكام قضاء و مظالم, اقسام امر به معروف و نهي ازمنكر و حقوق الهي و انساني در اين رابطه به تفصيل مورد بحث و مداقه قرار گرفت است.